چرا با ژانر ماورایی راه به جایی نمی‌بریم؟

روزه شک‌دار در سریال‌سازی دینی

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

یکی از سریال‌های ماه رمضان امسال، «احضار»، ساخته علیرضا افخمی بود که قسمت‌های پایانی‌اش این روزها از شبکه اول سیما پخش می‌شود. سریالی که حاشیه‌های زیادی داشت و در معرفی‌اش گفته شد که در پی شناسایی و مقابله با عرفان‌های کاذب است و جریان‌های انحرافی دینی. با این وجود تا کنون قسمت یا حتی سکانس برجسته‌ای درباره عرفان‌های کاذب دیده نشده و آنچه از این سریال برداشت می‌شود این است که برپاکنندگان مراسم احضار روح هم خودشان قربانی جریان یا تفکرات دیگری هستند. البته این سریال حاشیه‌های دیگری مانند عدم توجه به رده‌بندی سنی در قسمت‌های ابتدایی و همچنین بازی‌های ضعیف بازیگران جوان و اساسا مبهم بودن فضای سریال هم داشت. درباره کیفیت فنی این سریال و کارگردانی و فیلمنامه‌اش در شماره‌های پیشین روزنامه مطالبی منتشر شد. مساله مهم این بار تصویری بود که از شیطان در این سریال عرضه شد. تصویری که منجر به شکل‌گیری ابهامات زیادی در ذهن مخاطبان شد که اساسا می‌شود شیطان در ظاهر روح یک فرد ظاهر شود و به واسطه آن مردم را فریب دهد. در این مجال و در گفت‌وگو با کارشناسان دینی، مبناهای اسلامی و اعتقادی آنچه در این سریال به نمایش درآمده را بررسی می‌کنیم.

رضا برنجکار، رئیس مرکز تخصصی معارف اهل‌بیت(ع):

احضار روح دروغ و فریب است

رضا برنجکار، استاد تمام دانشگاه تهران و رئیس مرکز تخصصی معارف اهل‌بیت(ع) است. با او درباره احضار روح، شیطان مجسم و اجنه صحبت کردیم و نقدهایی که به سریال احضار وارد شده است.

|||

تصویری که سریال «احضار» از احضار روح و تجسم شیطان نشان می‌دهد، چه میزان مبنای دینی و اسلامی و اعتقادی دارد؟

چند مساله را باید بیان کنیم تا به پاسخ این سوال برسیم، چون در اینجا یک مساله وجود ندارد. نکته اول اینکه در قرآن خداوند از شیاطین جن نام می‌برد یعنی شیطان غیر از ابلیس است. شیطان هر موجودی است که انسان را به کارهای بد و زشت وسوسه می‌کند که این دو قسم است. یکی شیاطین جن و دیگری شیاطین انس یعنی انسان‌ها هستند. اینکه رفیقی ما را وسوسه کند که کار خلافی انجام دهیم، شیطان است. انسان معمولی است ولی انسان دیگری را وسوسه می‌کند چون کار شیطان وسوسه به کارهای زشت و بد است. براساس قرآن این شیاطین دو قسم هستند، یکی شیاطین انس یعنی انسان‌هایی که دیگران را وسوسه می‌کنند و دیگری اجنه هستند. اجنه که ابلیس از آنهاست، هیچ کاری نمی‌توانند انجام دهند الا وسوسه کردن همانند دوستی که انسان را وسوسه می‌کند، این دو قرقی با هم ندارند ولی آن دوست را شما می‌بینید ولی ابلیس از درون قلب وسوسه می‌کند. پس شیطان فقط جن نیست شیطان‌هایی هم هستند که انسانند و ممکن است فردی خوب باشد ولی بعد بد شود و انسان‌ها را به کارهای بد وسوسه کند. هریک از ما می‌توانیم شیطان باشیم و دیگران را به کارهای بد و زشت وسوسه کنیم.

این یعنی می‌توانیم شیطان باشیم یا فقط شیطان از ما استفاده می‌کند؟

خیر، «فکر می‌کنیم شیطان به معنای ابلیس است. این درست نیست. ابلیس رئیس شیاطین است. این بدین معنا نیست که جن در قالب بدن انسان برود، ممکن است رفیق ما آدم خوبی باشد ولی من را به کار بد وسوسه می‌کند. براساس ترمودینامیک و فرهنگ قرآن این رفیق ما شیطان است. نکته دوم اینکه گاهی شیطان می‌خواهد ما را وسوسه کند؛ ممکن است مستقیم ما را وسوسه کند، ممکن هم هست یک انسان دیگری را وسوسه کند که او مرا وسوسه کند. در این جا انسان هم شیطان است اما بازیچه شیطان جنی است.

می‌توان از اصطلاح باواسطه و بی‌واسطه استفاده کرد؟

بله، بی‌واسطه شیطان انسانی است و با واسطه شیطان جنی. نکته دیگر بحث روح است که از شیطان و جن جداست. این چیزی که معمولا به عنوان روح یا احضار روح شناخته شده در نیست. اینها احضار جن است که اجنه کافر و شیطانی است. اینها روح نیست منتها چون از برخی وقایع اطلاع دارد، می‌گوید من پدر شما هستم و اطلاعات را می‌دهد و این انسان نیز فریب می‌خورد. روح بعد از اینکه از دنیا می‌رود در اختیار خداست. این نیست که این روح بتواند وارد این عالم شود. آن روح به بهشت یا جهنم برزخی رفته است و در اختیار خود نیست. البته مثال نیست که خداوند به روحی اجازه دهد یعنی خدا باید اجازه دهد که او بیاید ولی اینکه من روحی را احضار کنم، شدنی نیست.

این که در خواب می‌آیند، چطور است؟ چه میزان اختیاری است؟

بهتر است به ترتیب جلو برویم. معمولا وقتی چند ساله به هم گره می‌خورد، نمی‌توان حلش کرد. نکته سوم این شد که احضار روح به‌صورت طبیعی ممکن نیست مگر مرگ خدا بخواهد و سنت خدا نیز این نیست. ممکن است استثنائاتی باشد، محال عقلی نیست ولی سنت خدا این نیست. وقتی کسی از دنیا رفت این چنین نیست که وارد این عالم شود و کارهایی انجام دهد. اوباید برای حساب و کتاب برزخی خود برود و بعد نوبت حساب و کتاب قیامت است. بنابراین احضار روح هایی که انجام می‌شود یا ۱۰۰ درصد یا ۹۹ و خرده‌ای درصد دروغ و فریب است. درواقع احضار جن می‌کنند. جن خود را در قالب روح شخص مدنظر جا می‌زند تا فرد را فریب دهد. بنابراین احضار روح کار ساده‌ای نیست و تنها با اجازه خداوند انجام می‌شود. ممکن است کسی از اولیای الهی باشد و از خداوند بخواهد که آن روح بیاید و مطلبی را عنوان کند، این خیلی امر استثنائی است. این محال عقلی نیست، امکان عقلی دارد ولی معمولا واقع نمی‌شود مگر اولیای الهی همانند معصوم باشند و از خداوند بخواهند. بنابراین هم همه این احضار روح‌ها فریب و دروغ است و احضار جن است.

پیرو فرمایش شما، چند مورد از کتاب خاطرات عارف و عالم‌های معاصر وجود دارد که گفته‌اند کسی خواب فلان کس را دیده و نکته‌ای را گوشزد یا توصیه کرده است اختیار این روح که به خواب فرد می‌آید، دست چه کسی است؟

این که روح می‌تواند در خواب انسان بیاید یا خیر، عقلا محال نیست، اگر روحی از خداوند بخواهد می‌شود که بیاید. در اینجا هم‌ما از خدا خواسته است. الان کاری که ما یا اجنه می‌کنیم با اجازه خداوند نیست چون ما گناه می‌کنیم، این را که خداوند اجازه نداده است. خداوند می‌گوید نکنید ولی ما گناه می‌کنیم. روح این چنین نیست که هر کاری خواست بتواند انجام دهد. اگر روح بخواهد وارد این عالم شود با اذن خداوند است، برای اینکه به خواب کسی هم بیاید، همین طور است. بنابراین اینکه خواب می‌بینیم ۱۰۰ درصد به این معنا نیست که روح آمده است. ممکن است واقعا روح باشد و خداوند اجازه داده باشد که به خواب بیاید. سنت خداوند اجازه نمی‌دهد که به این عالم بیایند اما اجازه می‌دهد در خواب برود ولی این بدین معنا نیست که هر خوابی دیدیم، صورتا همان فرد است. ممکن است خواب‌های اکلی و تصورات ما باشد. خواب هایی که ما می‌بینیم یک رویای صادقه است و دیگری «اضغاث احلام» است. اضغاث احلام تخیلات و تصورات انسان است. این تخیلات در عالم واقع هم وجود دارد که برای خود تخیل می‌کنیم. در عالم خواب هم این تخیلات امکان دارد. ممکن است روح با اجازه خدا آمده باشد، هر دو امکان‌پذیر است. احتمال اینکه روح در خواب بیاید بیشتر از این است که مجسم شود و با تبریک‌بازی صدا کند. این ضرورتا بدین معنا نیست که درست باشد و ممکن است خواب و خیال باشد. نکته دیگر اینکه در این سریال شیطان جنی در قالب انسان مجسم می‌شود و حرف‌هایی را بیان می‌کند، اگر این را حمل بر صحت کنیم، می‌توان گفت فیلم کار هنری است و در هنر به قول افلاطون عنصر تخیل وجود دارد. با آن تصرف عنصر خیال می‌خواهد امری را القا کند. ممکن است آن مطلب درستی باشد که افلاطون می‌گوید اگر این چنین باشد هنرمندان را اجازه می‌دهیم در مدینه فاضله باشند. اگر نه، ممکن است با این هنر ما باطلی را القا کند که افلاطون می‌گوید ما اینها را اجازه نمی‌دهیم در مدینه فاضله باشند. اگر هنر، فیلم، سینما و ذات هنر را بشناسیم می‌توان این چنین تشخیص داد که کارگردان با فرض اینکه فرد درستی است، می‌خواهد مطلب حقی را القا کند، منتها این مطلب حق، لازم نیست دقیقا همان باشد. فیلم‌هایی که برای ائمه ساخته شد هم اصل تاریخش درست بود اما مسائلی که به‌صورت جزئی بیان می‌شود دقیقا چنین نبوده است.

یعنی همان بحث‌های درماتیکی داستان است که بدان اضافه می‌شود.

بله، برای جذابیت دادن به داستان است و هدف این نیست که دقیقا بگوید امام در فلان جا ایستاده و آب خورده است بلکه برای جذابیت کار است. مثلا اصل مطلب درست است که امام رضا به مرو آمده است اما جزئیات را اضافه می‌کند. کارگردان می‌خواهد این نکته را بیان کند که شیطان القا می‌کند. این القا گاهی این چنین است که این را فلانی بیان کرده، وسوسه یا تصوری در بیداری می‌شود که فلانی به من این چنین گفت. آن القائات شیطان به این شکل مجسم می‌شود نه اینکه واقعا شیطان آمده و تجسم یافته است. اگر این است چنین قدرتی وجود ندارد، حداقل قرآن می‌گوید شیطان فقط می‌تواند وسوسه کند. این که شیطان به شکل آدم شود و آب و غذا بخورد و با ما صحبت کند، برای ما اثبات نشده است. آن که اثبات شده، این است که می‌تواند وسوسه کند. منتها هنرمند و کارگردان می‌خواهد بگوید شیطان وسوسه می‌کند، این به شکل خیالی است. من می‌گویم فلانی این چنین می‌گوید نه اینکه آدمی جلوی من نشسته و به شکل مادی است. کارگردان برای گفتن مطلب حق خود از این امر استفاده می‌کند. مثلا خود شما به‌عنوان کارگردان فرضی، چطور می‌خواهید بیان کنید شیطان وسوسه می‌کند؟ برای اینکه این را مجسم کنید به شکل آدمی می‌آید یعنی شیطان جن را همانند شیطان انس نمایش می‌دهد. این واقعیت دارد. این که مثل آدم‌های معمولی جسم داشته باشد، درست نیست. حمل بر صحت این است که کارگردان می‌خواهد مطلب حقی را به‌عنوان کند و اینکه شیطان وسوسه می‌کند. این را باید به‌نحوی در فیلم بیان کند. بهترین راه این است که همانند شیطان انس باشد و ببینیم وسوسه‌های شیطان چطور است. اگر این چنین باشد، درست است و به نظرم می‌رسد این چنین است چون هنر به این معناست. فیلمی که نشان می‌دهد بدین معنا نیست که ۱۰۰ درصد اتفاق افتاده. این که آن رال وپر می‌دهد و چیزهایی بدان اضافه و یا کم می‌کنید؛ همه این را می‌دانند و آگاه هستند. این جزئیات در هیچ کتابی نوشته نشده ولی برای فیلم‌شان نیاز است مخاطب واقعیت را بفهمد.

ابهامی که در ذهن برخی مخاطبان ایجاد شده، این است که برخی آدم‌هایی که با آنها روزانه در ارتباط هستیم، ممکن است شیطان باشند. پس این تصور درست نیست؟

این تصور اشتباه است. این امر عدم تلقی مقصود کارگردان است. صداوسیما قبلا این کار را می‌کرد که کارشناس مذهبی می‌آورد، الان متاسفانه این کار را نمی‌کند حتی وقتی فیلم تجربه‌های نزدیک به مرگ را نمایش می‌دهد، کارشناس حرف خود را می‌زند. باید صداوسیما این را نشان دهد اما اینها تجربه‌هایی است که باید تفسیر دینی شود. کسی که به قرآن، روایات، کلام و اعتقادات مسلط است باید کمک کارگردان بیاید، باید با سریال همکاری داشته باشد. نباید این طور باشد که امری را تولید کنید و بعد نظر بخواهید. باید پایه‌های تولید یک اثر، کارشناس مذهبی یا کارشناسان مذهبی همکاری کنند و نظر دهند. برخی مسائل باید از جنبه‌های مختلف اعم از اعتقادی، کلامی، حدیثی و... بررسی شود. اگر در همین سریال‌ها با کارشناسان مذهبی هماهنگ بودند می‌توانستیم طوری جلو برویم که این القائات اشتباه ایجاد نشود.

البته هفته گذشته و بعد از پخش یکی از قسمت‌های سریال احضار، این اقدام را انجام دادند.

من هم شنیدم که دریکی از این برنامه‌ها، کارگردان توضیحاتی داده است. من به مسئولان صداوسیما گفتم کارشناسانی می‌آیند که به آنها گفته‌اید درباره این صحبت کنید و آنها هم قبول می‌کنند. باید صحبت‌های خانم یا آقا را در برنامه زندگی پس از زندگی کارشناس مذهبی گوش دهد و ناظر به آن تحلیل کند و بگوید این کلمه اشتباه است، یا معنای درست این است یا منظور این است. نه اینکه درباره قیامت و مرگ صحبت کند و فرد هم درباره تجربه خود بگوید. باید تجربه فرد تفسیر شود. توسط کارشناس کلمه به کلمه تفسیر شود و حتی برخی قسمت‌ها را بگویند این غلط و توهمات است. صداوسیمای جمهوری اسلامی است و از یک سو به ما می‌گوید حوزه شما کاربردی نیست و از سوی دیگر از ما در این برنامه‌ها استفاده نمی‌شود. صداوسیما باید در مسائلی که به‌صورتی به مذهب تنه می‌زند، باید حداقل یک کارشناس داشته باشد. از نظر روان‌شناختی، اعتقادی، تاریخی و... باید چندین کارشناس مذهبی داشته باشد. درنهایت یک برنامه‌ای تولید می‌شود که چنین ابهاماتی دارد و کارکرد درستی هم نخواهد داشت و بعد از پخش برنامه هم با ما تماس نمی‌گیرند که در فلان برنامه این چنین گفته شد، درست است یا غلط!

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

علاقه روحی افخمی!

همان موقع که خبر ساخت سریالی به کارگردانی علیرضا افخمی منتشر شد، اکثریت می‌دانستند که با یک اثر ماورایی یا در ارتباط با روح مواجه خواهند شد. با وجود ساخت سریال‌هایی مانند «تب سرد» یا «زیرزمین»، اما افخمی را با «او یک فرشته بود» می‌شناسند و فضایی که در دهه هشتاد به راه انداخت. ژانر موردعلاقه افخمی بعدها در «پنجمین خورشید» و «پنج کیلومتر تا بهشت» نیز ادامه پیدا کرد. سریال‌هایی که در زمان پخش‌شان با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شدند و البته منتقدانش بیشتر بودند. حرف اصلی منتقدان این بود که مساله روح، یک مساله عادی و دم‌دستی نیست و می‌تواند در ذهن مخاطب اثرات مخربی بگذارد. این حساسیت وقتی بیشتر می‌شود که بدانیم ما در یک کشور مذهبی زندگی می‌کنیم و خاستگاه فکری مسائلی مانند روح، ماورا یا شیطان باید منطبق بر آیات قرآن و احادیث محکم باشد و کارگردان آنچنان فضای بازی برای مانور و تخیل در اختیار ندارد.

افخمی درباره شکل لوگوی این سریال و وجود تک‌چشم توضیح داده بود که وجود چشم جهان‌بین در لوگو با موضوع و مضمون سریال هم‌خوانی دارد و وجود آن در لوگوی سریال با هدف نفی برپایی یا شرکت در مجالس و محافل مخفی از جمله مجلس احضار روح بوده است. این کارگردان ادامه داده بود: «کسانی که به فتوای علما ملتزم بوده و مخالف برپایی یا حضور در این گونه محافل هستند مشکلی با لوگوی سریال نخواهند داشت لیکن اشخاصی که برپایی یا شرکت در مجالس احضار ارواح را مباح یا ممدوح بدانند، طبعا با این لوگو مخالفت و نسبت به آن معترض خواهند شد و البته منظور بنده نیز از ساخت سریال «احضار»، مقابله با همین تفکر و اندار به مخاطب بوده تا در چنین مجالسی شرکت نکرده و در این مکان‌ها حضور نیابد تا هم مرتکب گناه نشود و هم تبعات ویرانگر حضور، در این محافل دامان آنها و خانواده آنها را نگیرد». هدفی که شاید در عمل چندان دست یافته نشد و حاشیه‌های دیگر روی آنها سایه انداخت. از فضاهای احضار روح و ماورایی نزدیک به ۱۰ سال در تلویزیون خبری نبود و انگار نه کارگردانی علاقه داشته و نه مدیران تلویزیون تمایل داشتند که از این ژانر اثری روی آنتن بروند. حمایتی که سال‌ها قبل از سمت مدیران و در زمان ساخت «او یک فرشته بود» به‌وفور وجود داشته و علیرضا افخمی در گفت‌وگویش با «تسنیم» به آن اشاره کرده است: «ما در ساخت «او یک فرشته بود» به‌غیر از خود «آقای پورحسین» به‌عنوان مدیر وقت شبکه دو که تکیه‌گاه مهم تئوریک و ایدئولوژیک بودند، «آقای میرباقری» که آن موقع معاون سیما و یکی هم «آقای برازش» که ناظر مذهبی سریال بودند، این دو خیلی بنده را در نوشتن و ساخته شدن فیلمنامه کمک کردند، زیرا نگاه «کاظمی‌پور» ـطراح فیلمنامه‌ـ با نگاهی که من از ایده و طرح اولیه داشتم، متفاوت بود. شاید برایتان جالب باشد، وقتی اولین قسمت سریال که «علیرضا کاظمی‌پور» نوشته بود به‌دستم رسید چنین عنوانی داشت: «دوزخ طبقه هفتم»! یعنی اولین سکانس فیلم با این سرسکانس شروع می‌شد و بعد همه چیز فانتزی نوشته شده بود، جالب اینکه این سریال مشهور و پیشتاز قرار بوده فانتزی باشد و شاید درصورت ساختن به آن شکل، حاشیه‌ها و ابهامات مذهبی و اعتقادی کمتری داشت یا اصلا نداشت. البته افخمی در آن زمان با نه گفتنه خودش به ابهامات طلبه‌ها جواب داده است: «نکته‌ای که خیلی حیرت‌انگیز بود با همه این موانع، کار در همان زمان دو ماه و نیمه به پخش رسید. هرچند با همان مکافات‌ها و مصیبت‌ها، اما آقایان «میرباقری و برازش» یاری کردند و «او یک فرشته بود» به‌ثمر رسید، در عین حال با استفاده از آگاهی‌ها و مطالعات بسیاری در این زمینه‌ها و مطالعات مفصل خودم، پس از پخش سریال، با این انتقاداتی که اشاره کردید، مواجه شدیم. رفتیم به حوزه علمیه قم و پاسخگو شدیم برای یک جمعی از طلاب در یک جلسه مفصل، همه این حرف‌ها در آن جلسه مطرح شد و من سعی کردم به همه این حرف‌ها پاسخ دهم.»

افخمی البته در این جلسه تنها نبوده و روایت خودش از این گونه جلسات جالب است: «آقایان «میرباقری و برازش» با من آمدند و حتی در آن بخش هم مرا تنها نگذاشتند. نکته‌ای که شاید حائز اهمیت باشد این است که برای ورود به حیطه‌هایی که سابقه کار کردن در آنها وجود ندارد چه در سینما و چه در تلویزیون باید کارگردان و عوامل کار خودشان را برای مواجهه با اتفاقات آماده کنند؛ اگر کسانی از ما مواجهه با این انتقادها بترسند، بهتر است وارد این حوزه‌ها نشوند، ما آن موقع ترس را با همان استخاره کنار گذاشتیم.»

حالا این انتقادها از احضار زیاد شده و البته خبری از استقبال سازندگان برای پاسخگویی به این شبهات ایجاد نشده نیست و مدیران شبکه هم فقط به حمایت فنی اکتفا کردند. افخمی سال‌ها پیش درباره سختی ساختن چنین آثاری گفته بود: «به‌طور کلی تولید فیلم و سریال در حوزه ماورایی سخت است؛ زیرا ممکن است آنچه در فیلمنامه آمده و باید به تصویر کشیده شود با اعتقاد برخی همخوانی نداشته باشد. متاسفانه از افراد معتقدند شیطان به‌عنوان یک موجود مجزا از انسان اصلا وجود ندارد و درنتیجه، اگر من به‌عنوان کارگردان بخواهم کاری بسازم که با این عقیده آنها در تضاد باشد، حتما مخالفت خواهند کرد. از سوی دیگر، بحث شیطان خیلی گسترده است و عقاید متنوعی درباره آن وجود دارد. برخی آن را یک موجود صرفا ذهنی می‌دانند و برخی وجودش بیرون از وجود انسان اعتقاد ندارند. این اعتقاد با آنچه در «او یک فرشته بود» دیدیم، در تضاد است. موضوع دیگر این است که در این حوزه متولی و صاحب‌نظر زیاد است. به همین دلیل ما با تحلیل‌های متفاوتی روبه‌رو هستیم. برخی از این افراد، عقاید مخالف خودشان را برنمی‌تابند و این موضوع کار را سخت می‌کند.»

شاید پس از خواندن این صحبت‌های قدیمی افخمی بیشتر متوجه شویم که چرا فضای گفت‌وگو در این حوزه خیلی باز نیست، حتی از طرف سازندگان یک سریال. و سوال جدی‌تر این است که اگر مبنای فکری ما قرآن است، چرا باید عقیده متنوع درباره شیطان را به‌رسمیت بشناسیم و بدتر از آن، آن را نمایش دهیم و از آن دفاع هم بکنیم؟ این تفکر که مورد حمایت برخی از مدیران سابق صداوسیما بوده، ریشه در کجا دارد و آبشخورش کجاست؟

جواد زینالی، کارشناس دینی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

شیطان امکان سلطه بر انسان ندارد

ماه رمضان امسال، سریال «احضار» از شبکه یک سیما پخش شد و این شب‌ها بخش‌های پایانی این سریال با کمی تاخیر پخش می‌شود. از پیش از ماه مبارک رمضان و با پخش تیزر این سریال می‌شد حدس زد که قرار است با قصه و فضایی متفاوت مواجه شویم. کارگردان این سریال، علیرضا افخمی است که پیش از این سریال‌هایی همچون «او یک فرشته بود» و «پنج کیلومتر تا بهشت» را برای تلویزیون ساخته است. این سریال به لحاظ نوع ورود و پرداخت به مباحث دینی شباهت‌هایی به سریال «او یک فرشته بود» دارد، با این تفاوت که این بار بنا دارد که از دریچه پرداختن به مسائلی همچون عرفان کاذب و جلسات احضار روح به ابعاد جدیدی از تصرف نیروهای شیطانی در زندگی انسان بپردازد. واضح است که برای بررسی موضوع تخصصی‌ای که در این سریال مطرح می‌شود باید کارشناسان حوزه دین ورود کنند و از نظرات آنها بهره برد. با حجت‌الاسلام جواد زینالی، کارشناس دینی گفت‌وگو کردیم تا نظرات او را در موضوع ورود رسانه به مساله احضار روح جویا شویم. متن گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

|||

درونمایه اصلی سریال احضار مبتنی بر این گزاره است که امکان احضار روح وجود دارد. مساله احضار روح در آیات و روایات چگونه مطرح شده است؟

شرع مقدس اسلام به جهت مصالحی، رسیدن به واقع را از هر طریقی جائز نمی‌داند. به عنوان نمونه، حکم درمیان مردم باید از طریق ایمان (قسم) و بینات باشد. با اینکه یقین دارید و با چشمان خود مشاهده کرده‌اید که دزد به خانه‌تان داخل شده و اموال‌تان را برده است، اگر شما نزد حاکم بروید و به دزدی او شهادت بدهید، شهادت شما قبول نیست زیرا شهادت درباره خودتان است و باید دو شاهد راستگو و صحیح‌العمل بیاورید و الا نافذ نیست و برای روز قیامت خواهد ماند تا خداوند مکافات کند.

ازجمله علومی را که ممکن است انسان به واسطه آنها نتواند به واقعیتی برسد اما شارع آنها را طریق قرار نداده است و آن علوم را حرام دانسته کهانت (عینی اخبار غیبی یا ادعای ارتباط با اجنه و شیاطین) سحر، هیپنوتیزم است؛ اینها همه علوم حرام هستند درحالی که بعضی از آنها مسلم به واقع اصابت می‌کنند اما شارع اینها را طریق قرار نداده است. (برگرفته از کتاب ولایت فقیه علامه محمدحسین طهرانی)

احضار ارواح اگرچه صحت این عمل و امکان ارتباط و تکلم با ارواح فی‌الجمله جای تردید نیست لکن منافات با عدم تجویز شرعی به جهاتی که در نزد شارع مقدس مشخص بوده است، ندارد و اتصال با ارواح و اجنه برای انسان تاریکی و ظلمت می‌آورد و این خود نشانه نادرستی این طریق است. (برگرفته از معاد شناسی، محمدحسین طهرانی)

امام صادق(ع) به نقل از پیامبر اسلام(ص) فرمودند: «کسی که به سراغ جادوگر یا پیشگو یا افراد دروغگویی که از آینده خبر می‌دهند برود و گفتار آنها را تصدیق کند، نسبت به قرآن مجید کفر ورزیده است.» (وسایل الشیعه جلد ۱۲ ابواب مایکتسب به باب ۲۶ جلد ۳)

امام خمینی(ره) در کتاب تحریر الوسیله درباره حکم احضار ارواح فرموده‌اند: «عمل السحر و تعلیمه و تعلمه و التکسب به حرام... و یلحق بذلک استخدام الملائکه و احضار الجن و تسخیرهم و احضار الارواح و تسخیرها و امثال ذلک.» بنابراین در نظر ایشان احضار ارواح به هر وسیله و به هر شکل که باشد ملحق به سحر و همانند آن حرام است.

امکان تصرف نیروهای شیطانی بر زندگی انسان، یکی از موارد ادعایی است که در مدل سریال‌هایی همچون «احضار» نشان داده می‌شود. در مورد چنین ادعایی و امکان تحقق آن با توجه به متون دینی توضیح دهید؟

حدود تاثیر شیطان در انسان، از حد وسوسه و دعوت به گناه و بدی فراتر نمی‌رود، این گونه نیست که وسوسه‌های شیطان انسان را مجبور و وادار به انجام کاری کند بلکه در حد وسوسه و دعوت به آراستن در اوهام و تخیل انسان‌ها تاثیر می‌کند، آن هم نه در همه انسان‌ها بلکه انسان‌هایی که دعوت او را بپذیرند. نکته مهمی که باید تاکید کنیم این است که هرچند شیطان نمی‌تواند به صورت مستقیم تاثیر بگذارد اما می‌تواند با استفاده از خصلت‌هایی چون حرص و طمع و دیگر خصلت‌های پست حیوانی، انسان‌ها را به سمت گناه تحریک کند. در آیه ۲۲ ابراهیم تصریح شده که شیطان سلطه بر کسی را بالاصاله ندارد، او فقط انسان را وسوسه می‌کند. «وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ» (برگرفته از تفسیر آیت‌الله جوادی آملی)

برخی معتقدند که طرح برخی از مباحث دینی به خصوص در حوزه اعتقادات دینی در فضای رسانه نیازمند ملاحظات خاصی است. چقدر با این نظر موافقید؟ و به نظر شما تولید آثار تصویری با چنین موضوعاتی، چگونه و در چه اندازه‌ای باید طراحی و ارائه شود؟

اعتقادات که معادل این واژه باورها است نباید به صورت مقطعی و صرفا به دنبال مطرح شدن موضوعی در جامعه به آن بپردازیم بلکه باورها به واسطه تکرار آن به صورت اعتقاد و باور در می‌آید. به همین جهت با به کار گرفتن هنر در تکرار این اعتقادات می‌توان از رسانه در جهت تبلیغ در حوزه دین بهره برد تا کلیدواژه‌ای باشند برای کسانی که حقیقت‌یابند تا ترغیب و تشویق شوند برای یافتن حق از اهل حق.

معجون نامتناسبی از مذهب، تخیل و خرافه

میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

در دنیا ژانری با عنوان ماوراء نداریم، ولی ظاهرا در ایران داریم؛ چیزی مرکب از ژانرهای وحشت و تخیلی به‌اضافه چند فاکتور بومی که خودشان معجون دلخواهی از مذهب و خرافه و داستان‌سرایی فیلمنامه‌نویسان هستند. سریال‌هایی مثل «او یک فرشته بود»، «اغما»، «صاحبدلان» و حالا «احضار»، چند نمونه قابل‌توجه در این ژانر هستند و علیرضا افخمی، کارگردانی که روزگاری نام او بیشتر به‌عنوان ناظر کیفی در تیتراژ خیلی از سریال‌ها دیده می‌شد، شاید پدیدآورنده این ژانر و درحال حاضر تنها کسی است که هنوز از آن دل نکنده؛ ژانری که هیچ‌گاه سینمای ایران به‌طور جدی جرأت نکرد سراغ آن برود و تقریبا مطمئن بود که آورده چندانی در گیشه نخواهد داشت. برادران افخمی همیشه از اجازه‌ها و امتیازهای ویژه‌ای در کار فیلمسازی برخوردار بوده‌اند و علیرضا هم با استفاده از همین موقعیت، با «او یک فرشته بود» دنبال روایتی رفت که هرکسی امکان رفتن به سراغش را نداشت. این سریال چون با مسائل مذهبی سروکار داشت و در ساعات پس از افطار ماه رمضان پخش می‌شد، از طرف علما و کارشناسان مذهبی زیر ذره‌بین رفت و مورد انتقاداتی قرار گرفت. بعد از افخمی کسانی مثل محمدحسین لطیفی و سیروس مقدم هم در این ژانر تجربه‌هایی کردند؛ کسانی که اصولا تکنسین هستند و در هر ژانری ممکن است کار کنند و تنها بعد از خط‌شکنی کسانی که از اجازه‌های ویژه برخوردارند، امکان ورود به هر ساحتی را خواهند داشت. آنها هرکدام یک تجربه در این وادی داشتند و بعد سراغ فضاهای دیگر رفتند، اما علیرضا افخمی باز هم سراغ ژانر ماوراء آمده؛ در سال ۱۴۰۰ و در دوره‌ای که دیگر نه آن ذوق‌زدگی اولیه در مردم بابت نخستین برخوردشان با یک مجموعه ماورایی محصول ایران وجود دارد و نه دیگر مثل گذشته‌ها مخاطبان آن قدر در برخورد با چنین مسائلی اهل مسامحه هستند. مخاطب سال ۱۴۰۰ بسیار سخت‌گیرتر از مخاطب یکی، دو دهه پیش است؛ اما سریال «احضار» نسبت به «او یک فرشته بود»، اگر عقب نرفته باشد که احتمالا رفته، قطعا جلوتر هم نرفته است. گذشته از بازی‌های بد و باسمه‌ای سریال خصوصا در دو هنرپیشه جدید آن، موقعیت‌های خرد و کلانی که غیرمنطقی و متناقض با واقعیت زندگی هستند، نورپردازی و میزانسن و دکوپاژ ضعیف کار و موارد متعدد دیگری از این دست که همه فنی به‌حساب می‌آیند، احضار یک مشکل اساسی و بزرگ دیگر هم دارد و آن معجون نامتناسبی است که از ترکیب باورهای مذهبی و تخیل فردی ساخته شده است. در این سریال، شیطان تجسم پیدا می‌کند و سراغ آدم‌های قصه می‌رود؛ آن هم در قالب چهره و ظاهر مردی که شخصیت تقریبا موجهی داشته و به این ترتیب همه را فریب می‌دهد. این دروغ محض است. اگر شیطان می‌توانست چنین کاری کند، بر هیچ‌کدام از فریب‌خوردگان او حرجی نبود و گناه، مطلقا جایی رخ می‌دهد که یک نفر یا اراده خودش آن را انجام داده باشد. این قضیه غیر از تناقض با باورهای مذهبی، با معیارهای عقلی هم تناقض پیدا می‌کند و با یک درام که پاراوکس درونی کشنده‌ای دارد مواجهیم. کودکی را تصور کنید که شیطان در قالب و چهره مادرش حلول می‌کند و به او می‌گوید به‌جای درس خواندن در شب امتحان، نه پارک برود و بازی کند. آیا بعد از روشن شدن اصل قضیه، مادر این کودک می‌تواند او را به حاطر کاری که انجام داده مواخذه کند؟ آیا این کودک راهی جز فریب خوردن دارد؟ و در این زمینه کوچک‌ترین قصوری متوجه خود او هست؟ چطور می‌توان از خداوند توقع عدل کمتری نسبت به مادر آن کودک داشت و نکته مهم‌تر اینجاست که خدا می‌تواند اجازه چنین فریبکاری و پیرانگری را به شیطان ندهد اما مادر آن کودک نمی‌تواند. اینکه در آخر سریال همه چیز روشن شود و شیطان شکست بخورد، منطق قشل فیلمنامه را جبه‌ه درنظر نگرفتن نقش اراده الهی را ترمیم نمی‌کند. این یک نکته جزئی و فرعی در فیلمنامه احضار نیست و اساس درام بر آن شکل گرفته و برای همین، کلیت کار زیر سوال می‌رود. فیلمسازان و فیلمنامه‌نویسان ایرانی به‌طور اساسی در ترکیب تخیل و باورهای مذهبی مشکل دارند؛ چنانکه در نقطه مقابل احضار می‌توان سریال «یوسف پیامبر» را به یاد آورد؛ آنجا که مرتب فرشته‌ای بر یوسف نازل می‌شد و درست و غلط را برایش شرح می‌داد. در چنین شرایطی، مخاطب می‌توانست به این فکر بیفتد که اگر چنین بود، هرکسی می‌توانست در حد یوسف پیامبر یا سایر پیامبران الهی باشد و چرا این افراد باید برگزیده باشند؟! این وضعیت را می‌توانیم با کارهایی که در سایر نقاط دنیا ساخته شده مقایسه کنیم تا ظرافت ادعاشده گرفته‌شده‌ای که در کار سناریست‌های ایرانی وجود دارد، بهتر مشخص شود. در کشورهای شرقی، تجسم اهالی عالم غیب، بیشتر درمورد اجداد و نیاکان بشر نسبه دارد و گاهی آدم‌های کوچک خودشان هم به دنیای مردگان سفر می‌کنند.

معادل آنچه ما با عناوینی مثل دیو و فرشته یا جن و ملک می‌شناسیم، در آثار شرقی هر دو بیش گذشتگان زمین هستند و اینها به باورهای مذهبی مردم آن مناطق برمی‌گردد؛ اما در غرب که باورهای مذهبی‌شان تا حدودی شباهت بیشتری به مردم ایران دارد، این مشکل با یک فاصله‌گذاری بین خیال و باورهای مذهبی حل می‌شود. به عبارتی فیلم‌ها یا داستان‌ها، ادعای بیان واقعیت‌های مذهبی را ندارند و مثل شعر، شمایل تمثیل به خودشان می‌گیرند. فیلم «بروس قدرتمند» که جیم کری، کمدین مشهور و موگران فریمن، سیاه‌پوست اسطوره‌